

مدالیل تربیتی «سنت‌های الهی»: با تأکید بر بُعد شناختی

محمدنقی رفعت‌نژاد / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور

محمدطاهر یعقوبی / استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن، دانشگاه پیام نور

حوریه محاجری / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

houriehmohajeri@gmail.com

چکیده

«سنت‌های الهی»، به معنای قوانین ثابتی که خداوند عالم برای تدبیر جهان هستی به کار گرفته است، ضمن بیان قوانین فردی و اجتماعی، دربردارنده دلالت‌های تربیتی متنوعی است که توجه به آنها می‌تواند در سه بعد شناختی، گرایشی و کنشی تربیت انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. تلاش پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از آیات قرآنی متضمن «سنت‌های الهی»، دلالت‌های تربیتی این سنن را صرفاً در «بُعد شناختی» تربیت دینی روشن سازد. فرض اولیه پژوهش بر این است که آگاهی و معرفت مربی به این سنن در درجه اول، و آشناسازی متری با این قوانین الهی در درجه دوم، زمینه‌های شناختی و معرفتی را برای فرایند «تربیت دینی» فراهم و تسهیل می‌سازد. بر اساس نتایج حاصله، پنج نوع شناخت مؤثر در تربیت دینی که به‌طور خاص از آیات متضمن سنت‌های الهی استفاده می‌شود، عبارت‌اند از: ۱. شناخت آگاهی، ۲. شناخت خداوند، ۳. شناخت انسان، ۴. شناخت دنیا و آخرت، ۵. شناخت عمل.

این پژوهش نشان داده است که آیات مرتبط به سنت‌های «هدایت مؤمنان» و «زیادت ضلالت کفار و منافقان» در نگاهی معرفت‌شناختی، آیات مربوط به سنت «نظارت الهی» و «اراده مطلقه الهی» در باب خدانشناسی، آیات «امانت»، «اختلاف درجات» و «نفی حرج» در بخش شناخت انسان، آیات مربوط به سنت‌های «اجل محتوم» و «بتلا» در خصوص شناخت دنیا، و نهایتاً سنت‌های مربوط به «آگاهی انسان از نتایج اعمال» در بحث شناخت دنیا، در جهت‌دهی سیر تربیت دینی انسان به‌ویژه در بعد شناختی آن، نقشی اثرگذار و معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: سنت الهی، تربیت دینی، شناخت.

بیان مسئله

سنت‌های الهی با ویژگی الهی بودن، حتمی بودن، غیر قابل تبدیل و تحویل بودن، ثبات و استمرار، و عمومیت و اطلاق را می‌توان مجموعه‌ای مسوط از رویکردها، برنامه‌ها و قوانینی دانست که - بر اساس تدابیر الهی - تأثیر مستقیم و نافذ بر همه ابعاد زندگی انسان، از جمله در فرایند تربیتی او و به‌طور خاص در فرایند «تربیت دینی» انسان دارد. پدیده‌ها و فراز و نشیب زندگی انسان‌ها - بنا بر تصریح مجموعه‌ای مفصل از آیات قرآن - تابعی از قواعد عمومی یا خاص و به تعبیری تابعی از «سنن الهی» است. زمانی که خداوند از اراده خود می‌گوید (یریدُ الله بِكُمْ الیسر و لا یریدُ بِكُمْ العُسْر، بقره: ۱۸۵)، یاری رسولان و مؤمنان را بیان می‌دارد (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذینَ ءَامَنُوا فِی الْحَیَٰةِ الدُّنْیَا وَ یَوْمَ یَقُومُ الَّاَشْهَادُ، غافر: ۵۱)، از اجل حتمی و پایان مرگ همه نفوس پرده برمی‌دارد (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، آل عمران: ۱۸۵) یا از امتحان و آزمایش انسان‌ها سخن می‌گوید (وَلَنُكَلِّمُنَّکُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ، بقره: ۱۵۵)، در واقع فرمول‌ها و قواعد ناپیدایی را بیان می‌فرماید که زندگی بشر در چارچوب آنها تحقق می‌یابد و شکل می‌گیرد. آگاهی از این سنن الهی و توجه به آنها از سوی مربی و متربی و همچنین تلاش در جهت کاربرد این قوانین در مسیر زندگی، می‌تواند سبک تربیت انسان در ابعاد مختلف و به‌طور خاص تربیت انسان در ارتباط با خداوند متعال - و به بیان دیگر «تربیت دینی» انسان - و التزام بشر به تبعیت از قوانین الهی را دگرگون سازد.

پژوهش حاضر بر اساس این پیش‌فرض کلی شکل گرفته است که «سنت‌های الهی» - که در آیات قرآن مورد توجه قرار گرفته است - در خصوص «تربیت دینی» انسان پیام ویژه و نقش جهت‌دهنده دارد؛ چنان‌که شناخت سنت‌های الهی و توجه آگاهانه به آنها توسط مربیان و متربیان می‌تواند در بُعد شناختی تربیت دینی انسان نقش‌آفرینی کند.

۱. پیشینه

بررسی و مطالعه «سنن الهی» در قرآن کریم - که موضوعی قرآنی است - به شیوه‌های متفاوت مورد توجه اندیشمندان قرآنی قرار گرفته است. از سوی دیگر، در خصوص موضوع عام تربیت و «تربیت دینی» نیز پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که ذکر عناوین آنها از حوصله این نوشتار خارج است؛ اما موضوع «رابطه سنن الهی با مفهوم تربیت دینی» و بررسی نقش سنت‌های الهی در «بعد شناختی» تربیت دینی، امری است که در مجموعه مطالعات یاد شده، دست‌کم به شیوه مدنظر این تحقیق، کمتر صورت گرفته است.

در پژوهش‌های مرتبط، اگرچه مجموعه‌ای از پژوهش‌ها به بحث تربیت در قرآن پرداخته‌اند، اما زاویه دید آنها با تحقیق حاضر تفاوت دارد: برخی آثار به نقش شناخت سنن الهی بر «ابعاد متفاوت انسان» پرداخته‌اند؛^۲ برخی پژوهش‌ها در بررسی نقش سنن الهی، از میان همه ابعاد، به‌طور خاص «تربیت انسان» را در مفهوم کلان آن مدنظر قرار داده‌اند؛^۳ اما برخی دیگر از پژوهش‌ها، اگرچه به مفهوم خاص «تربیت دینی» و رابطه آن با سنن الهی

به‌عنوان موضوع مورد مطالعه خود پرداخته‌اند، با این حال در یکی دو جهت، کاری متفاوت از این تحقیق صورت داده‌اند. پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد خانم **شاکری لموکی** با عنوان **بررسی مبانی فلسفی سنن تربیت در قرآن** را باید یکی از نزدیک‌ترین تحقیقات موجود به پژوهش حاضر دانست.^۴ اما مؤلف در پژوهش خود، با رویکردی فلسفی بر آن است تا با تحلیل مبانی فلسفی و ارتباط آنها با مقوله‌های هدف، محتوا، روش و کاربست در تعلیم و تربیت، به فهرستی از سنن تربیتی در قرآن دست یابد. اثر دیگر، پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد خانم **خاشعی** با عنوان **سنت‌های تربیتی در قرآن** است.^۵ این پایان‌نامه نیز پژوهشی است که با هدف شناخت سنت‌های الهی و آگاهی از نحوهٔ صحیح استخراج آنها از منبع وحی و همچنین بررسی تعدادی از مصادیق آن صورت پذیرفته است. در این تحقیق، سنت‌هایی در زمینهٔ تقوا، توکل، شکر، ذکر الهی و حیات طیبه استخراج شده و اثر تربیتی آنها تجزیه و تحلیل گردیده است. این تحقیق، اگرچه به‌ظاهر به پژوهش حاضر نزدیک است، اما نتیجه‌ای که برای آن بیان شده، با هدف پژوهش مورد نظر ما متفاوت است.

با توجه به نیاز استفاده از آموزه‌های قرآنی برای تسهیل مسیر امر تربیت از یک‌سو، و بررسی سوابق فوق از سوی دیگر، و عدم کفایت آنها برای این منظور، ضرورت این تحقیق به نظر محرز می‌نماید.

۲. تعریف مفاهیم

دو واژه و مفهوم کلیدی این پژوهش عبارت‌اند از «سنت الهی» و «تربیت دینی».

۲-۱. سنت الهی

قوانین و چارچوب‌هایی که از سوی خدای متعال برای بشر تعیین می‌گردد، در علمی همچون علم کلام، تفسیر و فقه، بر دو دستهٔ «احکام» و «سنن» تقسیم می‌شود. یک دسته قوانین، برنامه‌ها و حدودی است که خداوند از طریق ارسال رُسل و انزال کتب برای مردم تعیین کرده است. اینها همان احکام، شرایع و تکالیف شرعی است که امروزه معمولاً جزو موضوعات علم فقه و فروع فقهیه در قالب پنج امر واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح می‌باشد. چه‌بسا این همان معنایی است که با تعبیری همچون «خُدُودُ اللَّهِ» در قرآن کریم به کار رفته است.

گروه دیگر، تدابیر، سیاست‌ها، قوانین و راهبردهایی است که خداوند متعال برای خود فرض و معین کرده و مقرر داشته است تا امور عالم و آدم را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر پایهٔ آنها تدبیر کند. این دسته از برنامه‌ها و قوانین، همان «سنت‌های الهی» است. تعبیری همچون «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ» (لیل: ۱۲) در قانون هدایت انسان‌ها؛ «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشبه: ۲۶) در قانون حسابرسی؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶) در قانون روزی‌رسانی به موجودات؛ و «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا» (غافر: ۵۱) در قانون حمایت از رُسل الهی، جمله‌گی از سنن الهی پرده برمی‌دارد.

در اصطلاح ویژهٔ قرآنی، مفسران از «سنت‌های الهی» به‌عنوان قوانین و مقررات ثابت و لایتغیری که خداوند عالم بر اساس آنها امور دنیوی و روابط دنیایی - آخرتی بشر را تدبیر می‌کند، یاد می‌کنند. «قوانینی که خداوند متعال

در جهان برقرار نموده» یا به تعبیر بهتر، «روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آنها تدبیر و اداره می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۲۵). لازم به ذکر است که در شمارش سنن الهی و تقسیمات آن تفاوت نظرهایی وجود دارد که در این مقاله از آنها می‌گذریم و بنای بحث را بر همین تعریف یادشده می‌گذاریم.

۲-۲. تربیت دینی

در تعریف مقوله‌های «تربیت» و «تربیت دینی» نیز اختلاف نظرهای زیادی پیدا شده است. اجمالاً می‌توان تربیت را به معنای زمینه‌سازی‌های چندبعدی توسط مربی برای شکوفایی استعدادهای متربی تعریف کرد؛ اما واقعیت این است که برای مفهوم «تربیت دینی» در تعاریف مختلف، دست کم با سه مفهوم متفاوت روبه‌رو هستیم: الف. تربیت دینی به معنای تربیتی که بر مبانی دینی استوار است (داودی، ۱۳۸۸، ص ۳۰)؛ ب. تربیت دینی به معنای تربیتی که در خصوص رابطه انسان با خدا شکل می‌گیرد (محبوبه جمشیدی کوهساری، ۱۳۸۸، ص ۴۸۱ و ۴۸۲)؛ ج. تربیت دینی به معنای تربیت اسلامی (تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، گفت‌وگوها، ۱۳۸۸، ص ۲۷-۳۱).

بر اساس تعریفی که از تربیت ارائه شد، تربیت دینی را می‌توان به معنای تربیتی دانست که در بُعد نظر و مینا، بر مبانی دینی استوار است و در بعد عمل و فرایند بین مربی و متربی، در خصوص رابطه انسان با خدا شکل می‌گیرد. ما در این پژوهش بر همین تعریف تکیه کرده‌ایم.

۳. روش پژوهش

این تحقیق در گروه پژوهش‌های کتابخانه‌ای قرار دارد و به حسب موضوع، توصیفی-تحلیلی است. طبعاً با توجه به موضوع پژوهش، منبع اصلی این کار دو دسته منبع اصلی است: از یک سو منبع اصلی تحقیق قرآن کریم است که در این جهت و در خلال تحقیق، نیازمند مراجعه به تفاسیر نیز می‌باشیم و از تفسیر گران‌سنگ **المیزان فی تفسیر القرآن**، اثر ارزشمند علامه سیدمحمدحسین طباطبایی به‌طور ویژه استفاده خواهیم کرد.

از سوی دیگر، منابع دست اول مربوط به موضوع «تربیت»، به‌ویژه «تربیت دینی» باید مورد مراجعه این پژوهش باشد. کلید استفاده و اصطیاد از آیات قرآنی در زمینه یک موضوع خاص، آشنایی با تفاسیل آن موضوع است. برای تأمین این بخش از کار سعی بر آن شد تا در یک مطالعه کتابخانه‌ای، منابع مربوط بررسی و مطالعه شود و موضوعات مطرح در زمینه تربیت دینی استقرا و بر اساس آن بحث تکمیل گردد. و البته استفاده حضوری از اساتید این زمینه علمی، مکمل کار این پژوهش شد.

۴. تحلیل و بررسی

این پژوهش به پنج نوع شناختی که قرآن در بیان سنن الهی بر آن تأکید ورزیده و در تربیت دینی تأثیرگذار است، دست یافته که عبارت‌اند از: شناخت آگاهی (معرفت‌شناسی)، شناخت خداوند (خداشناسی)، شناخت انسان (انسان‌شناسی)، شناخت دنیا (هستی‌شناسی) و شناخت عمل (رفتارشناسی).

۴-۱. شناخت آگاهی (معرفت‌شناسی)

دانستن اینکه به دست آوردن آگاهی و شناخت، امری ممکن است، همچنین معرفت به انواع شناخت، آگاهی از تأثیرات آن و بهره‌گیری از منافع آن، از جمله نکات قابل توجهی است که قرآن در هنگام بیان سنن الهی و در مراتب مختلف بر آن تأکید کرده است. اولاً قرآن در همان آغازین آیات خود در ابتدای سوره بقره، بیانگر این سنت الهی است که کلام خداوند برای هدایت متقین قرار داده شده است. قرآن را کلام حق و هدایتگر بشر معرفی می‌کند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱ و ۲) و «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِّلنَّبِيِّ هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء: ۹) و باز، در سنتی روشن، با تعابیر گوناگون بنا را بر تبیین و شفاف‌سازی گذاشته است: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ» (نور: ۵۸). قرآن همچنین ضمن اینکه مخاطب خود را به تعلم، تدبر و تعقل دعوت کرده است، به کسانی که راه کسب معرفت صحیح را پیموده‌اند، بشارت داده و آنان را جزو هدایت‌شدگان و صاحبان خرد دانسته است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ چنان که کسانی را که از گمان تبعیت می‌کنند، سرزنش می‌کند: «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مِن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ هُمُ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (یونس: ۶۶).

با این حال، کفار به سبب کفرشان، از دستیابی به شناخت نجات‌دهنده محروم می‌شوند. این دست نیافتن به حقیقت در اثر کفر، امری است که در آیات متفاوت و به تعابیر مختلف بر آن تأکید شده است. افکنده شدن پرده و حجاب بر قلوب و چشم و گوش (بقره: ۷)، ختم قلب (بقره: ۷)، طبع قلوب، باز ماندن گوش از شنیدن و حتی فرار از شنیدن ندای حق، و بی‌تفاوتی در قبال حق (بقره: ۶)، بخشی از این آثار است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۲-۲۴)؛ «وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا * وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِی آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذُكِّرَتْ رَبِّكَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَوَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (اسراء: ۴۵ و ۴۶؛ نساء: ۱۵۵؛ نحل: ۱۰۸).

از مجموعه این آیات، به‌ویژه از سنت الهی «هدایت مؤمنان» (کسانی که در راه او تلاش و جست‌وجو می‌کنند) و در مقابل، سنت «زیادت ضلالت کفار و منافقان» (کسانی که لججت می‌ورزند)، می‌توان چنین اصطیاد کرد که در مسیر تربیت دینی، اولاً باید از طریق دعوت و زمینه‌سازی و تشویق، بر «افزایش معرفت متربی» «اصرار» داشت؛ ثانیاً این معرفت را بر مبنای «یقین» گذاشت. در عین حال باید دانست که بر اساس همین سنت الهی، چنانچه متربی لججت و عناد ورزد، به معرفت یقینی ناب دل ندهد و راه گمراهی را پیش گیرد، طبعاً از کسب معرفت محروم خواهد شد و در سطح چهارپایان خواهد ماند.

۴-۲. شناخت خداوند (خداشناسی)

در قرآن شریف، شناخت خداوند و تأثیر این شناخت در تحقق تربیت دینی در صدر سنت‌های الهی قرار گرفته است. قانون و سنت خداوندی در خصوص اراده و فعل الهی و نسبت آن با انسان چنین است که «اراده الهی بر تحقق و

فراگیری دین» است و در این مسیر، ضمن اینکه «عمل و مسئولیت» بر دوش افرادی از انسان‌هاست و خداوند بر انسان «نظارت دائمی» دارد، «کارها اصالتاً به دست خود اوست» و البته خداوند نسبت به انسان‌ها هدایتگر است و توبه‌پذیر. توضیح هر یک از موارد زیر بدین قرار است:

۴-۲-۱. اراده الهی بر تحقق دین

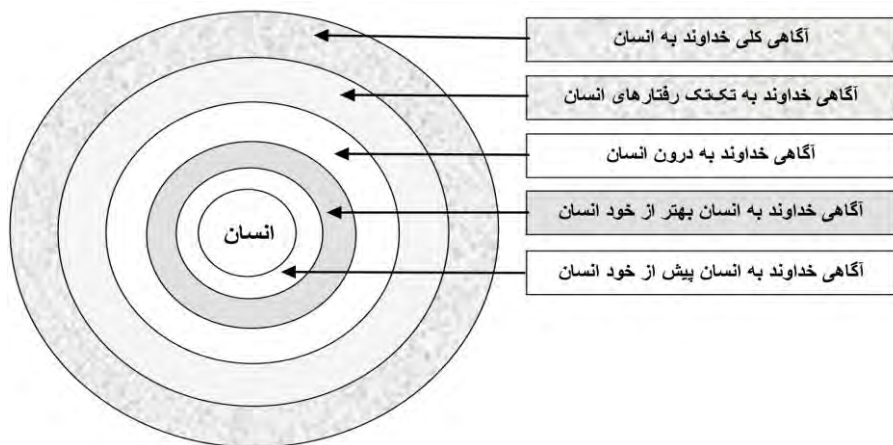
نگاه روشن به آینده داشتن و آگاهی به اینکه دین باقی است و دین‌ورزان آتی‌های مطمئن دارند، خود زمینه‌ساز و امیدبخش تحقق بهتر تربیت دینی متربیان است. رها شدن در شک و تردید و ماندگاری در فرض آینده‌ای تاریک، رهرو راه تربیت را با کندی، خستگی و نومیدی روبه‌رو می‌سازد. اینکه متربیان بدانند دین و دین‌ورزی با اراده خداوند برای همیشه باقی می‌ماند و دینداران برای دینداری خود چشم‌اندازی واضح دارند و از عاقبت دین‌ورزی خود، هم در این دنیا و هم در آخرت، مطمئن‌اند، عاملی مؤثر در ثبات دینداری متربی خواهد بود. ضمن اینکه این آگاهی، زمینه‌ای می‌شود که متربی نیز در این مسیر به سهم خود نقش آفرینی کند. «اراده الهی برای حفظ دین» مطلبی است که در برخی آیات به‌عنوان سنتی الهی بر آن تأکید شده است. دو آیه متوالی سوره مبارکه توبه، یکی از اراده قاطع خداوندی بر «تمام نور» خود و دیگری از «غلبه بخشیدن دین حق» بر دیگران حکایت می‌کند: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِمْ نَوْرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۲ و ۳۳).

در مقابل این آینده شیرین، آینده تلخ و دردناک کفرورزی نیز هم برای این دنیا و هم برای آخرت به رخ کفار کشیده شده است: «فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ» (توبه: ۵۵) و مجدداً در چند آیه بعد با تعبیری بسیار مشابه بر این امر تأکید می‌شود: «وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ» (توبه: ۸۵).

۴-۲-۲. نظارت دائمی الهی

یکی از ویژگی‌های توصیفی خداوند در آیات قرآن شریف، از جمله در آیات سنتی قرآن، آگاهی خداوند به بندگان خود، آن هم آگاهی و نظارتی دقیق، مستمر و کامل است. آن‌گاه که متربی و فرد در حال رشد، فرد یا افرادی از مریبان را نظاره‌گر دائمی خود ببیند و بداند که گویا یک دوربین دقیق و ریزبین بر رفتار او نظارت دارد، بدیهی است که او نیز در رفتار خود دقت بیشتری خواهد کرد. در مسیر تربیت دینی، آن‌گاه که بندگان خدا، خدای متعال را ناظری همیشگی بر رفتار خویش ببینند، طبعاً در رفتار خود بیشتر دقت می‌کنند تا مبادا خلاقی از ایشان سرزند.

چنانچه در سلسله آموزه‌های سنن الهی نیک بنگریم، در خواهیم یافت که قرآن کریم آگاهی خداوند به بندگان خود را در لایه‌هایی چندگانه، از کلیت آگاهی گرفته تا آگاهی به تک‌تک رفتارها، آگاهی به درون انسان‌ها، آگاهی بیشتر از خود انسان به انسان، و آگاهی به انسان قبل از خود انسان، یادآور شده است. این ترتیب برای ترسیم بهتر بحث در شکل (۷) ارائه شده است.



مراتب آگاهی خداوند به انسان

الف) آگاهی کلی، خبیر بودن و بصیر بودن خداوند به بندگان، لایهٔ اولیه است: «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء: ۳۰).

ب) آیاتی دیگر، تک‌تک رفتار انسان‌ها را موضوع علم دقیق خداوند قرار می‌دهد: «وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (یونس: ۶۱).

ج) در مواردی این آگاهی، به درون فرد، در دل انسان و به تعبیر قرآنی «فی نفوسکم» توسعه می‌یابد. طبیعی است که دقت فرد بر رفتار خود، زمانی بیشتر می‌شود که نظارت الهی را نه‌تنها بر خود و بر رفتار خود، که بر اندرون خود، آن هم دقیق‌تر از خودش ببیند: «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نَفْسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا» (اسراء: ۲۵).

د) آیاتی دیگر، خدا را داناتر از انسان‌ها به خودشان، بلکه داناتر نسبت به هر چیز دیگری معرفی می‌کند: «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ» (اسراء: ۵۴)؛ و بالاخره اینکه خداوند به تعبیر زیبای قرآنی از این فاصله‌ها می‌گذرد و حتی میان انسان و دل او هم حائل می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انفال: ۲۴).

در بحث تربیت دینی، برگرفته از این سنت الهی می‌توان علاوه بر توجه مرتبی بر رفتار خود، به این ایدهٔ احتمالی در موضوع شیوهٔ تربیت و نظارت مرتبی بر مرتبی رسید که بر مرتبی لازم است تا علاوه بر نظارت کلان و کلی بر مرتبی خود، بر تک‌تک رفتارهای وی، به شیوهٔ مناسب (به‌گونه‌ای که با عزت نفس مرتبی برخورد نداشته باشد) نظارت داشته باشد و ارتباط خود با مرتبی را چنان تقویت کند که گویی اطلاع او از مرتبی بیش از اطلاع مرتبی از خودش می‌باشد. از سوی دیگر، این نوع نظارت الهیه بر رفتار و نفوس بندگان، همواره این تذکر را به عبادالله می‌دهد که شما و رفتارهای شما از ریز و درشت آن در مرثا و منظر الهی است.

یکی از قوانین الهی حاکم بر جریان زندگی دنیایی بشر این است که همهٔ امور در واقع به اراده و قدرت الهی تحقق می‌یابد. تعابیر مختلفی همچون «إِنَّ الْحُكْمَ إِذَا لِلَّهِ» (یوسف: ۶۷)، «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ» (هود: ۱۰۷) و «نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ» (یوسف: ۵۶) همه گویای این سنت ارادهٔ مطلقه الهی‌اند. در مواردی هم به شکل خاص و نافذ بر این حقیقت تصریح شده است: «فَلَمَّ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال: ۱۷؛ یونس: ۱۰۷).

اصل این امر در تربیت دینی، علاوه بر آرامشی که برای انسان متوکل بر ذات اقدس اله ایجاد می‌کند، چنین پیامی را دارد که بشر درک توحیدی خود را افزایش دهد و خدای قادر متعال را همه‌کارهٔ امور بداند تا مبادا از ره کبر و غرور، خود را صاحب امر بداند و جایگزین خداوند قرار دهد. البته در مقابل، برای اینکه انسان به اندیشهٔ باطل جبر مبتلا نشود، به گونه‌ای که خود به کناری بنشیند و همهٔ امور را به دست خداوند بداند، در سنت الهی دیگری، عمل انسانی و فعالیت بشر زمینه‌ساز همان اراده و خواست الهی شمرده شده است: «ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبَرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (انفال: ۵۳).

و برای تبیین بهتر امر، در آیهٔ بعد مثالی ذکر می‌شود که همانا عمل خود آل فرعون و کسان دیگری همچون ایشان در تکذیب آیات الهی بود که موجب هلاکتشان به دست خداوند شد: «كَذَّابٌ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَٱهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَفْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَانُوا ظَٰلِمِينَ» (انفال: ۵۴).

۴-۲-۴. خداوند توبه‌پذیر

باز بودن باب بازگشت، آرامش‌بخش‌ترین فضای تربیتی برای متربی است. به‌هرحال، انسان اهل نسیان است و صاحب امیال و آرزوهایی که گاه او را به خطا می‌کشاند. ایجاد بن‌بست و بستن راه برگشت، چیزی جز افسردگی و اضطراب یا لجاجت و عناد باقی نمی‌گذارد. یکی از اوصاف خداوندی و یکی از سنن شیرین الهی برای ادارهٔ امر بشر، باب پذیرش توبه و استغفار است؛ کما اینکه اگر این استغفار صورت نگیرد، سنت الهی عذاب بر جای خود باقی است. قرآن شریف این وصف خداوندی و این سنت و قانون الهی را مکرر یادآور می‌شود: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ إِن يَنْتَهُوْاْ يُغْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُواْ فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ ٱللَّوَلِينَ» (انفال: ۳۸ و ۳۳؛ توبه: ۱۰۴).

سنت «پذیرش توبه» و صفت توبه‌پذیری خداوند، هم برای عباد صالح او در مسیر تربیت دینی راهی آرامش‌بخش و نویدآفرین است و هم در این مسیر تربیتی درسی است برای مریبان تا ضمن دعوت متریبان خویش به راه راست، راه بازگشت از خطا را برای ایشان باز بگذارند.

۳-۴. شناخت انسان (انسان‌شناسی)

برخی از سنن الهی که در قرآن شریف مورد توجه و بیان قرار گرفته است، به آگاهی و شناخت انسان از خود اشاره دارد. آن‌گاه که فرد خود را بشناسد، به ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای خود، همچنین به محدودیت‌ها و نواقص

خویشتن آگاهی یابد و جایگاه خود را در این نظام هستی دریابد، طبعاً زمینه تحقق تربیت دینی در او به‌آسانی فراهم خواهد شد و متربی برای ورود به میدان رشد و تعالی و دستیابی به حیات طیبه آماده‌تر خواهد بود.

آفرینش و ویژگی‌های انسان عمدتاً در آیات مرتبط با خلق و قَدَر الهی و در چند بیان متفاوت و البته در ترسیمی از یک نقشه کامل از انسان به تصویر کشیده شده است. قرآن شریف انسان را قابل خطاب خود دانسته و با تعابیری همچون «یا ایها الانسان» و «یا ایها الناس» او را در این جایگاه قرار داده است. او را بر مبنای فطرتی ویژه آفریده، خلافت الهی را در او قرار داده و جهانی جاودان را در سرنوشت او رقم زده است.

قرآن همچنین در بیان نقاط قوت و ضعف انسان، از یک‌سو ارزش‌های مثبت و والایی را برای او ذکر می‌کند. در اصل خلقت، آفرینش انسان را حساب‌شده می‌داند و او را موجودی برگزیده معرفی می‌کند (طه: ۱۲۱). خلقت او را ترکیبی از طبیعت و ماورای طبیعت و به عبارت دیگر، ترکیبی از ماده و معنا دانسته (سجده: ۷-۹)، او را دارای فطرتی مرتبط با خداوند می‌داند (اعراف: ۱۷۲؛ روم: ۴۳). در خصوص نقش او در این جهان، انسان را خلیفه خدا بر روی زمین معرفی می‌کند (بقره: ۳۰؛ انعام: ۱۶۵). در بعد شخصیتی، انسان را با داشتن کرامت و شرافت ذاتی (احزاب: ۷۲) و بالاترین ظرفیت شناختی (بقره: ۳۱-۳۳)، دارای شخصیت مستقل و آزاد و امانت‌دار خدا می‌داند (اسراء: ۷۰) و او را چنان توانمند و دارای درک اخلاقی می‌داند که قادر است زشت و زیبا را درک کند (شمس: ۸ و ۹). از نگاه قرآن، همه نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده (بقره: ۲۹) و هدف از خلقت انسان، بندگی و اطاعت الهی دانسته شده است (ذاریات: ۵۶؛ جاثیه: ۱۳). ارتباط او با خداوند نیز در این نگاه قرآنی مثال‌زدنی است: جز با یاد خدا آرام نمی‌گیرد (رعد: ۲۸؛ انشقاق: ۶) و اگر خدا را فراموش کند، گویی خود را به فراموشی سپرده است (حشر: ۱۸).

در مقابل همه ارزش‌های مثبت و توانایی‌های ذکرشده، قرآن شریف انسان را با مجموعه‌ای از نقاط ضعف و ضدارزش‌ها نیز همراه دانسته است. انسان در این نگاه، ضعیف و کم‌طاقت (نساء: ۲۸)، عجول و شتاب‌زده (انبیاء: ۳۷)، حریص و ناشکیبا (معارج: ۱۹)، بسیار ستمگر و نادان (احزاب: ۷۲)، سخت‌سینه‌کار و جهل‌پیشه (احزاب: ۷۲)، تنگ‌نظر (اسراء: ۱۰۰)، مجادله‌گر (کهف: ۵۴) و در برابر خداوند، بسیار ناسپاس است (عادیات: ۶؛ حج: ۶۶). در صورتی که بی‌نیاز شود، طغیان می‌کند (علق: ۷)؛ در سختی‌ها خدا را یاد می‌کند، اما در راحتی‌ها فراموش‌کار می‌شود (یونس: ۱۲)؛ زمانی که به او بدی روی آورد، بی‌قراری می‌کند و هنگامی که توانمند شود، حرص می‌ورزد و دیگران را از توان خویش محروم می‌دارد (معارج: ۲۰ و ۲۱).

در اینکه آیات یاد شده، سنت باشد، تردید است و به نظر می‌رسد قول به اینکه مضمون این آیات مشمول بحث خلق و قَدَر است، مناسب‌تر باشد. با این حال، قرآن شریف بر اساس همین خلقت، به برخی از سنن الهی اشاره دارد.

یکی از سنن الهی در خصوص انسان را «سنت عرض امانت» دانسته‌اند. بر اساس این قانون الهی، خداوند بار امانت خویش را بر آسمان و زمین عرضه کرده و درحالی که آسمان و زمین از حمل این امانت ابا کردند، انسان بود که آن

را بر دوش کشید. درباره اینکه امانت الهی چیست، تفاسیر متفاوتی ارائه شده است؛^۷ اما وجه جمع بین همه آنها این است که انسان بود که آن را بر دوش کشید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲).

به‌رغم برخی اختلافات، غالب مفسران قرآن بر این اعتقادند که این آیه در مدح انسان است و پذیرش این امانت برای انسان مایه افتخار و تکریم است. نسبت جهول و ظلوم بودن به انسان در انتهای آیه، نوعی تأسف از قدرناشناسی انسان از چنین منزلتی است که دارد؛ بدین معنا که انسان به‌درستی امانت را پذیرفت؛ ولی متأسفانه به خود ظلم کرد و اطاعت خدا نکرد (بهرام‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۲۷). آگاهی متری از این منزلت و جایگاه برای انسان موجب می‌شود که او از انسان بودن خود احساس عزت نفس بالایی داشته باشد و در جهت پیشرفت در این مسیر تلاش کند.

۲-۳-۴. تفاوت‌های فردی

سنت دیگر، سنت اختلاف درجات بین انسان‌ها، و به تعبیر روان‌شناختی، تفاوت‌های فردی است. بنا بر نگاه قرآنی، قانون الهی بر آن شده است که برخی انسان‌ها بر برخی دیگر برتری یابند: «أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا» (اسراء: ۲۱).

تفسیر نور می‌نویسد: برتری‌های افراد بر یکدیگر، بر دو نوع است؛ گاهی به‌خاطر استعداد، ذوق، فکر، شرایط خانوادگی، جغرافیایی و امثال آن، انسان دریافته‌هایی دارد که اینها لطف خداوند و همراه با مسئولیت و آزمایش است، که این آیه به همین برتری‌ها اشاره دارد (قرآنی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۷).

در نگاه روان‌شناختی و تربیتی، موضوع تفاوت‌های فردی بحثی چالش‌برانگیز و دارای تأثیرات کاربردی فراوان در مسیر تعاملات انسانی و تربیت وی است. مربیان خبره، ضمن توجه به تفاوت‌های فردی و برنامه‌ریزی برای انتظارات متفاوت از هر متربی، هرگز یک متری را با متری دیگر مقایسه نمی‌کنند و هرکدام را در سطح ویژگی‌های آنها تعریف می‌کنند.

آگاهی متری از این اصل مهم روان‌شناختی و تأکید قرآنی موجب می‌شود که او به ویژگی‌های درونی خود تکیه کند و انتظارات نابجا و فوق‌العاده‌ای را - در مقایسه با دیگران - برای خود تعریف نکند و در این مسیر، ضمن حفظ آرامش روانی خود، با اعتماد به نفس به کار خود ادامه دهد.

۳-۳-۴. نفی حرج

سنت الهی «تخفیف» و سبک کردن بار تکلیفی انسان، به دلیل خلق ضعیف او تحقق یافته است. این سنت که با عنوان سنت «نفی حرج» در بیانات مفسران قرآن آمده است، اشاره به این دارد که انسان، هرچند توان و استعداد رسیدن به جایگاه رفیع را دارد، هم از نظر فیزیکی و جسمی، هم از نظر ارادی و هم از نظر علمی و آگاهی، در

مواردی از جمله در خصوص این مورد، یعنی غریزه جنسی، ضعف‌هایی نیز دارد. بر همین اساس، خداوند از راه لطف تکلیف سنگین را از دوش او برداشته و در حد ظرف و طاقت او از او خواسته است: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (نساء: ۲۸) و «... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» (بقره: ۱۸۵).

آگاهی متربی از ضعف انسان از یک‌سو، و لطف الهی در تخفیف و نفی حرج از او از سوی دیگر، رابطه محبت بنده خدا با خدای خویش را دو چندان می‌سازد و او را به تلاش بیشتر در مسیر تربیتی دینی تشویق می‌کند. این سنت، همچنین بیانگر این است که میان تکوین و آفرینش انسان و تشریح و احکام الهی هماهنگی هست.

۴-۴. شناخت دنیا (دنیاشناسی)

لایه دیگر از مسائل شناختی که در سنن الهی مورد توجه است، شناخت دنیا و آگاهی از زوایا و ابعاد مختلف آن و درک چهره واقعی آن است. این درس بزرگ، در آیات مختلف سننی قرآن و به اشکال متفاوت آمده است.

۴-۴-۱. دنیا، آیت الهی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دنیا در تعبیر آیات سننی قرآنی، آیه و نشانه بودن آن برای کسانی است که دارای گوشی شنوایند و به حقایق این امور توجه دارند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس: ۶۷).

این گونه آیات، دعوتی رسمی و صریح برای تأمل در عالم خلقت و بهره بردن از آن در مسیر رشد معنوی است. دنیا در این نگاه، کارآمدترین ابزار در دست مریبان است تا متربی خویش را در مسیر تربیت دینی رشد دهند و او را با خداوند عالمیان آشنا سازند.

۴-۴-۲. دنیا، زمانی محدود

ویژگی دیگر در آیات پرداخته به سنت‌های الهی، فانی بودن دنیاست. این حقیقت که در پرتو سننی همچون سنت اجل محتوم بیان شده، یکی از مؤثرترین نکات در تربیت دینی است. دل نبستن به دنیای از بین‌رفتنی، زهدورزی و نگاه عبوری به دنیا، از جمله درس‌های تربیتی در این مسیر است: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (یونس: ۴۹).

عبدالرحمن نحلاوی، نویسنده سوری، در کتاب خود با عنوان **آیات تربیتی** سه اثر تربیتی از این سنت الهی را چنین بیان می‌دارد: تربیت شناختی در جهت تفکر روشمند و توجه به اسباب و اهداف وجود انسان، به گونه‌ای که انسان آگاهانه به اعمال صحیح در مسیر حق اقدام کند؛ تربیت شناختی در خصوص اینکه هر امری در هستی مقدار مشخصی دارد؛ و نهایتاً تربیت انسان در مسیر محاسبه نفس و ارزیابی مستمر رفتار و استفاده از فرصت‌ها در جهت رستگاری و رضای الهی (النحلاوی، ۲۰۰۸م، ص ۲۳۸ و ۲۳۹).

در بسیاری از آیات قرآن، از جمله در سلسله‌ای از آیات سنی، با اشاره به فلسفه خلقت این دنیا و مافیها، «آزمایش» بندگان خدا، از جمله دلایل اصلی خلقت این دنیا و خلقت انسان در این دنیای مادی معرفی شده است. تعبیری همچون ابتلا، تمیز داده شدن خوب از بد و امثال آن، چنین حکایتی را دارد. جالب توجه این است که قرآن با شفافیتی مثال‌زدنی از این فلسفه، از زبان پیامبر خود سخن می‌گوید: «قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» (نمل: ۴۰).

«در نگاه قرآنی، "دنیا" مقدمه و "مزرعه" آخرت، و زندگی در دنیا، دالان ورود به ابدیت است... آموزه‌های اسلامی قلمرو حیات فرد را از آفرینش آدم ﷺ تا ابدیت گسترش می‌دهند؛ اما بر زوال فرصت دنیا برای تحقق اراده و صورت‌بندی زندگی ابدی نیز تأکید می‌کنند» (علم‌الهدی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۵). توجه به ماهیت ابتدایی دنیا و ملاحظه این فرایند مهم و خطیر آزمایش، به‌جد می‌تواند نقشی حیاتی در مسیر تربیت دینی داشته باشد. «خداوند برای شکوفا کردن استعدادها نهمته و از قوه به فعل رساندن آنها و در نتیجه تربیت بندگان و رشد بذر وجود انسان‌ها در مزرعه هستی، آنان را می‌آزماید و به انواع سختی‌ها و ناملایمات مبتلا می‌کند» (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۴). متری می‌تواند با دقت در این امر، از زوایای آن درس بگیرد و از بوتۀ آزمایش خدا سربلند بیرون آید. زمانی که فرد بداند آنچه از نعمت‌ها و نعمت‌ها بدو رسیده، و کل فرایند زندگی او موضوع امتحان الهی است و بدین نکته توجه مستمر داشته باشد، طبعاً سعی خواهد کرد به هر نحو ممکن از این امتحان بزرگ و سرنوشت‌ساز سربلند بیرون آید و از مزایای آن بهره‌مند شود: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّا لَنُكْفِرُ بِمَنْعُوتُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» (هود: ۷).

طبق قانون عمومی سنت همگانی ابتلا و امتحان و در مسیر پیمودن تکامل و پرورش انسان‌ها، همه مردم، از انبیای الهی گرفته تا دیگر عموم مردم، باید مورد آزمایش الهی قرار گیرند تا استعدادهایشان شکوفا شود. به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی: «تمام افراد بشر، از مؤمن و کافر، نیکوکار و یا بدکار، پیغمبر و یا مقام‌های پایین‌تر، همه و همه مورد امتحان و ابتلا قرار گرفته و هیچ‌کس از این ناموس عمومی الهی استثنا نمی‌گردد» (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۶۲).

یادآوری می‌شود که امتحانات الهی گاه فردی است و گاه دامنه این سنت الهی یک جامعه و ملت و قوم را شامل می‌شود تا در خلال آن، هویت اجتماعی آنها بروز کند و زمینه‌های تعالی یا انحطاط آنها در لابه‌لای همین آزمون‌ها آشکار شود؛ چنان‌که امتحانات می‌تواند گاه به‌وسیله نعمت باشد، که فزونی نعمت می‌تواند سستی و تبلی، غفلت و غرق شدن در لذایذ و شهوات را به دنبال داشته باشد و انسان را از خدا دور سازد و میدان را برای فعالیت شیطان آماده کند. تنها کسانی می‌توانند از عوارض نامطلوب فزونی و وفور نعمت در امان بمانند که به‌طور دائم به

یاد خدا باشند و با یادآوری‌های مداوم، خانه قلب را از نفوذ شیاطین حفظ کنند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۵، ص ۱۲۲؛ سید قطب، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۱۳۳۷). آزمایش با شهوت، جنگ و جهاد، قدرت و حکومت، قوانین الهی و دستورهای شرع، مرگ اولاد، شیطان، علم و معلم، و بالاخره آزمایش با غیبت رهبر الهی هم می‌تواند از میدان‌های خطیر آزمایش باشد.

نکته قابل توجه اینکه قرآن شریف همان‌گونه که راه‌های مختلفی از آزمون‌های الهی را بیان می‌دارد، روش‌های متفاوت و متعددی را نیز در این زمینه برای موفقیت در این امتحانات ارائه می‌دهد که از جمله آنها صبر و استقامت، توجه به گذرا بودن دنیا و حوادث و مشکلات آن، توجه به تاریخ پیشینیان، و توجه به علم و آگاهی خدا بر همه چیز است. برخی از این مقولات در بخش‌های دیگر از مباحث این تحقیق ارائه خواهد شد.

۴-۴. دنیا، پوششی بر واقعیت اعمال

برخی از سنت‌های الهی یاد شده در آیات قرآنی، بیان واقعی ماهیت پدیده‌های دنیوی در آخرت است. این بیان، پرده برداشتن از لایه ظاهری دنیا و آشناسازی مخاطب با این واقعیت می‌باشد. در یک بیان کلی، قرآن این رابطه را چنین بیان می‌دارد: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا»؛ هر کسی در این جهان، یعنی دنیا، نابینا و کوردل باشد، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر خواهد بود (اسراء: ۷۲). و باز می‌فرماید: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلٰى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّا وَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ كَلَّمَا وَخَبْتُ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» (اسراء: ۹۷ و ۹۸). مجموعه‌ای از آیات نیز وارد تفاسیل و مصادیق شده است. از باب نمونه: «أَلَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» (نساء: ۱۰). این آیه از آن جهت سنت الهی به شمار می‌آید که پیامد خوردن مال یتیم را افتادن در دوزخ قرار داده است.

خلاصه کلام اینکه «دنیا» در نگاه قرآنی امری است محدود و پایان‌پذیر؛ و درعین حال آیتی است از آیات الهی برای امتحان و ابتلای انسان؛ و این نگاه جامع و فراگیر کافی است تا مسیر تربیت دینی فرد از تمرکز و دلبستگی به دنیا رهایی یابد و انسان راه خداجویی و کمال‌یابی را طی کند.

۴-۵. شناخت عمل (رفتارشناسی)

شناخت روشن و آگاهی از ماهیت عمل و آثار آن نیز از مهم‌ترین شناخت‌های کاربردی در این باب است. این مفهوم در چند بیان مختلف در قرآن و در آیات مرتبط با سنن الهی آمده است.

۴-۵-۱. آگاهی به نتیجه کار

آگاهی به نتیجه کار، از جمله شیوه‌های مؤثر در تربیت است. در چارچوب همین اصل، یکی از شیوه‌های قرآنی آگاهی دادن به نتایج کارهای مثبت و منفی به مخاطبان خود، اعم از مؤمنان و کافران است و دقیقاً همین شیوه در بیان سنت‌های الهی نیز به کار رفته است. آیات مربوط به سنت الهی در این زمینه خود بر چند دسته‌اند.

الف) آثار ایمان، تقوا و اطاعت

بخشی از آیات سننی قرآن، آثار ایمان، تقوا و اطاعت از خداوند متعال را متذکر می‌شود. در یک نگاه، ولایت الهی و پاداش اخروی اثری است که در پس ایمان آوردن مؤمنان حاصل می‌شود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷)؛ «وَلَا جُرْأَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یوسف: ۵۷).

مجموعه‌ای دیگر از آیات بیانگر سنت‌های الهی، در زمینه رعایت «تقوا»ست و گشایش، تسهیل در امور، ماندگاری اجر و پاداش را نتیجه تقوا می‌داند. دو آیه شریفه‌ای که حکایتگر صریح این موضوع است، عبارت‌اند از: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا». (طلاق: ۲) و «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۴). در آیه دیگر، از زبان حضرت یوسف علیه السلام چنین بیان می‌شود «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰).

در آیات دیگر، «جبران اعمال بد»، «بالا بردن پاداش» و «نجات» بشارت داده شده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا» (طلاق: ۵) «وَتَجَنَّبْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت: ۱۸). در باب اطاعت نیز آمده است: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (نساء: ۱۳).

ب) آثار معصیت، اعراض و کفر

دسته دیگری از آیات سننی قرآن، در مقابل، آثار معصیت را متذکر می‌شود. گاه به معصیت عام اشاره می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ». (نساء: ۱۴) و گاه در خصوص برخی معصیت‌های خاص یادآور می‌شود که: «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا. وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدُوًّا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء: ۲۹ و ۳۰).

اعراض (دوری) از ذکر خدا از دیگر مواردی است که مشمول سنت الهی است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)؛ «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا» (کهف: ۵۷).

کفرورزی نیز از این دیدگاه مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان که گاه نتیجه کفرورزی، دوری از نور خواننده شده است: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷)؛ گاه آتش و عذاب الهی برای آن در نظر گرفته شده است: «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص: ۲۷) و گاه تزیین دنیا اثر کفرورزی است: «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (بقره: ۲۱۲).

این آگاهی به نتیجه کار، چه در جهت مثبت آن، که جنبه تشویقی دارد و موجب برانگیختن فرد برای عمل می‌شود و چه در جهت منفی آن، که جنبه تهدید دارد و عواقب دردناک کفر را بیان می‌دارد، عاملی مؤثر و نقش‌آفرین در تربیت دینی دارد. متربی با اطلاع و یادآوری مکرر از نتیجه خوش کار، به انجام کار علاقه‌مند می‌گردد و با شنیدن خبر دردناک عواقب کار بد، از انجام آن بیمناک و پشیمان می‌شود.

۲-۴. آگاهی از مسئولیت فرد در قبال عمل

مسئولیت‌پذیری انسان در قبال اعمال خویش نکته دیگری است که در بحث عمل انسان مطرح است. عمل، البته خود بحث مستقلی را می‌طلبد، آنچه در اینجا مورد نظر است، آگاهی فرد از مسئولیت در مقابل عمل خویش است. قرآن شریف در بیان سنت بازتاب اعمال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد: ۱۱). این آیه شریفه با این بیان، «تأثیر مستقیم عمل فرد را بر آنچه با آن روبه‌رو می‌شود، با ارائه دستورالعملی کلی و فراگیر، علل تغییرها در وضعیت جامعه و عملکرد افراد آن جامعه معرفی می‌کند» (ایازی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰).

تفسیر المیزان ذیل همین آیه شریفه می‌فرماید: و این جمله، یعنی جمله «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ...»، چکیده‌اش این است که خداوند چنین حکم راند (سنتی نهاد) که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد، مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد، که اگر آن حالات موافق با فطرتش جریان یافت، آن نعمت‌ها و موهبت‌ها هم جریان داشته باشد؛ برای مثال، اگر مردمی بدانند که به دلیل استقامت فطرتش به خدا ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، به دنبال آن، نعمت‌های دنیا و آخرت به سویس سرازیر می‌شود؛ چنان که خداوند در سنتی دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا»؛ و مادامی که آن حالت در دل ایشان دوام داشته باشد، این وضع هم از طرف خدا دوام یابد؛ و هرگاه ایشان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم وضع رفتار خود را عوض می‌کند و نعمت را به نعمت مبدل می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱، ص ۳۱۲).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از منبع قرآنی در هدایت سبک تربیتی امری است که در مباحث تربیت اسلامی به انحای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و می‌گیرد. در پژوهش حاضر، بر اساس این پیش‌فرض که «سنت‌های الهی» به‌مثابه قوانین تدبیر عالم به دست خداوند متعال، در سبک زندگی انسان‌ها نقش‌آفرین است، و با تکیه بر قانون کلی مراجعه به قرآن کریم و استفاده از آموزه‌های قرآنی در امر تربیت، به جست‌وجوی آثار تربیتی سنت‌های الهی یاد شده در آیات قرآن شریف پرداخته شد.

خلاصه آثار تربیتی هر یک از سنت‌های الهی در نمودار ذیل ارائه شده است.

ساحت	زیرمجموعه	سنت الهی	اثر تربیتی
بعد بینشی (شناختی) انسان	شناخت آگاهی	سنت هدایت مؤمنان و سنت زیادت ضالالت کفار	ضرورت دعوت و تشویق متری به معرفت‌افزایی، یقین‌افزایی و جلوگیری از لجاجت و عناد
	شناخت خداوند	سنت حفظ دین	ترسیم آینده‌ای روشن برای متری، جهت‌دهی متری به نقشی‌آفرینی در حفظ دین
		سنت نظارت الهی	مراقبت بر رفتار از سوی متری و نظارت تفصیلی بر متری از سوی مری
		سنت اراده مطلقه الهی	زمینه‌سازی برای توکل به خدا، افزایش درک توحیدی
		سنت توبه‌پذیری	آرامش برای عباد صالح، روش خطاپذیری برای مریبان
شناخت انسان	سنت عرض امانت سنت اختلاف درجات (تفاوت‌های فردی) سنت نفی حرج	احساس عزت نفس بالا اعتماد به نفس، مقایسه نکردن خود با دیگران توجه به ضعف انسان، لطف الهی و تلاش در جهت تلاش بیشتر	
شناخت دنیا	سنت ایه قرار دادن دنیا سنت اجل محتوم سنت ابتلا و امتحان سنت واقعیت دنیا	تشویق متری برای مطالعه در امر دنیا توجه به ظرف مشخص زمانی دنیا و استفاده کافی از فرصت داده شده و دل‌نیستن به دنیا صبر در مشکلات و تلاش در جهت موفقیت هرچه بیشتر رهایی از دلبستگی به دنیا و استفاده از دنیا برای کمال‌یابی	
شناخت عمل	سنت‌های مربوط به آگاهی انسان از نتایج اعمال سنت‌های مربوط به آگاهی متری از مسئولیت در مقابل اعمال خویش	ترغیب به ایمان و تقوا و دوری از کفر و معصیت آگاه‌سازی متری به مسئولیت‌پذیری	

پیوست شماره ۱: نمودار آثار تربیتی سنت‌های الهی در بعد بینشی (شناختی)

پی‌نوشت‌ها

۱. سعید عباسی نیا، ۱۳۹۳، *زبان قرآن با رویکرد تربیتی*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه معارف اسلامی، گروه مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون اسلامی.
۲. از باب نمونه: اعظم حسینی، ۱۳۹۵، *تأثیر شناخت سنت‌های الهی بر سبک زندگی اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۳. اکبر صالحی، ۱۳۹۲، «نقش آزمایش‌های الهی در تربیت انسان»، *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*، سال اول، ش ۱.
۴. ام البنین شاکری لموکی، ۱۳۹۵، *بررسی مبانی فلسفی سنن تربیت در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۵. فاطمه خاشعی، ۱۳۹۱، *سنت‌های تربیتی در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده معارف قرآنی.
۶. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: محمدرضا قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲، *روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۱۵۹-۱۶۸.
۷. ولایت الهیه، اختیار و آزادی اراده، عقل، اعضای پیکر انسان، معرفت الله، واجبات و تکالیف الهی موارد مختلفی است که در تفاسیر بدان اشاره شده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۷، ص ۴۵۲، ذیل آیه امانت).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اسلامی، ادريس، ۱۳۹۶، «رویکرد شناختی به تربیت دینی»، *فلسفه تربیت*، ش ۲، ص ۲۹-۷۰.
- ایازی، سیدعلی‌نقی، و هدایی، نیکوسادات، ۱۳۹۳، *درآمدی بر مفهوم تغییرات اجتماعی در قرآن کریم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بهرام‌پور، ابوالفضل، ۱۳۸۹، *تفسیر مبین* (تفسیر یک جلدی قرآن کریم)، قم، آوای قرآن.
- بهشتی، سعید، ۱۳۸۸، «تأملاتی در فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»، مقالات برگزیده در همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۱۶۵-۱۸۸.
- جمشیدی کوهساری، محبوبه و دیگران، ۱۳۸۸، «تأکید بر تربیت عقلانی، گامی اساسی در تربیت دینی»، مقالات برگزیده در همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، «البعاد وجود انسان و مفهوم تربیت دینی»، *تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر* (گفت‌وگوها)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۶، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- حسینی، اعظم، ۱۳۹۵، *تأثیر شناخت سنت‌های الهی بر سبک زندگی اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- خاشعی، فاطمه، ۱۳۹۱، *سنت‌های تربیتی در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه معارف قرآن و عترت، دانشکده معارف قرآنی. داودی، محمد، ۱۳۸۶، *تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ____، ۱۳۸۸، «تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک»، مقالات برگزیده در همایش تربیت دینی در جامعه معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۳۰.
- ربرت. جی. استرنبرگ، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی شناختی*، ترجمه مریم وفایی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- سید قطب، ۱۴۰۲ق، *تفسیر فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- شاکری لموکی، ام البنین، ۱۳۹۵، *بررسی مبانی فلسفی سنن تربیت در قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- شجاعی، محمداصداق، ۱۳۸۶، «نگاهی به شناخت از منظر فلسفه، روان‌شناسی و اسلام»، *معرفت*، ش ۱۱۹.
- صادقی محسن‌آباد، حجت‌الله، ۱۳۸۸، *بررسی مبانی تربیت دینی از منظر قرآن و روایات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، دانشکده الهیات.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۸۱، *سنت‌های تاریخی در قرآن*، تهران، تفاهم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۱ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- علم‌الهدی، جمیله، ۱۳۹۱، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت* (مبانی آموزش رسمی)، تهران، دانشگاه امام صادق.
- غفاری، ابوالحسن، ۱۳۸۵، *سنت امتحان در زندگی انسان*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۲، *تفسیر نور*، چ پنجم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ____، ۱۳۹۶، *ترجمه و تفسیر قرآن کریم*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- محمدقاسمی، حمید، ۱۳۸۹، *روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن*، تهران، بین‌الملل.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۸، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۲-۱۳۶۶، *تفسیر نمونه*، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- مهاجری، مسیح، ۱۳۶۱، *سنت‌ها از دیدگاه قرآن*، تهران، مرکز حزب جمهوری اسلامی.
- نجاتی، محمدعثمان، ۱۹۸۴م، *قرآن و روان‌شناسی*، چ هشتم، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- النحلاوی، عبدالرحمن، ۲۰۰۸م، *التربیه بالآیات*، چ پنجم، دمشق، دار الفکر.
- نیکزاد الحسینی، فاطمه‌سادات، ۱۳۹۲، *شبکه معنایی سنن الهی در قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قرآن و حدیث.